



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
سال دهم / شماره سی‌وهفتم / بهار ۱۴۰۰

شناسایی مؤلفه های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی مدیران شرکت‌ها با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی

مینا ابوسعیدی

دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
abousaidimina@gmail.com

محمود معین‌الدین

دانشیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول)
Mahmoudmoein@iauyazd.ac.ir

فروغ حیرانی

استادیار، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
Heyrani@iauyazd.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۳/۱۲

چکیده

از آن جایی که تمامی تصمیمات مدیران شرکت‌ها دارای اثر مالی است لذا داشتن حداقل آگاهی لازم از قواعد مالی (سواد مالی)، که در شکل‌گیری این تصمیم‌ها مؤثر می‌باشد، ضروری است. موضوع سواد مالی اقشار مختلف جامعه و نحوه سنجش آن در گذشته مورد توجه بسیاری از مطالعات داخلی و خارجی بوده، ولی سواد مالی مدیران شرکت‌ها بطور خاص و به ویژه در سطح ملی کمتر مورد توجه بوده است، لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری سواد مالی تخصصی مدیران شرکتها طراحی و اجرا شده است. پارادایم این پژوهش از نوع تفسیری بوده و با توجه به لزوم بهره‌گیری از تجارب زیسته افراد درگیر در موضوع، یعنی خبرگان مالی، از روش تحقیق کیفی و از رویکرد پدیدارشناسی بهره‌گرفته شده و تحلیل‌های لازم با استفاده از تکنیک ۷ مرحله‌ای کولایزی و به کمک نرم‌افزار Nvivo8 انجام شده است. نمونه پژوهش مشتمل بر ده نفر از خبرگان مالی است. با توجه به یافته‌های پژوهش یازده مؤلفه اصلی در شکل‌گیری سواد مالی مدیران شناسایی گردیده که شناخت و تحلیل صورت‌های مالی، آشنایی با قوانین بیمه و کار، مقررات مالیاتی و قانون تجارت از جمله این مؤلفه‌هاست.

واژه‌های کلیدی: سواد مالی مدیران، رویکرد کیفی، پدیدارشناسی، روش کولایزی.

۱- مقدمه

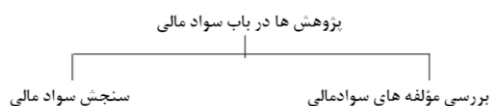
دانش به عنوان مهمترین منبع سازمان‌ها، توجه مدیران را به خود جلب کرده است. دانش برای ارتقای قابلیت کارکنان، بهبود کالاها و خدمات و ایجاد عملکرد بالاتر لازم است. هر منبعی با استفاده مستهلک و منسوخ می‌شود، اما دانش هرچه بیشتر مورد استفاده قرار گیرد، افزایش یافته و غنی‌تر می‌شود. سواد مالی یکی از مفاهیم مربوط به دانش و دانش مالی است. در سیستم اقتصادی مدرن، سواد مالی مهارت و منبع اساسی برای شرکت‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شود تا رقابت‌پذیری را از طریق نوآوری حفظ کند و ثبات، استخدام و رشد اقتصادی را ارتقا بخشد (حوسین و همکاران^۱، ۲۰۱۸). باترلت^۲ (۱۹۹۷)، سواد مالی را به عنوان توانایی درک و ارزیابی اطلاعات مربوطه که برای اتخاذ تصمیم آگاهانه از نتایج مالی محتمل لازم است، تعریف می‌نماید (پلاکالویک^۳، ۲۰۱۶).

سواد مالی به عنوان توانایی تجزیه و تحلیل تعریف می‌شود و مفهوم آن از درک و دانش مالی به مهارت، صلاحیت، نگرش و رفتار مالی تغییر می‌کند. مدیران باید توانایی خواندن و درک ترازنامه صورت‌های مالی شرکت‌ها و موسسات مالی را داشته باشند و ارتباط متقابل و اثرات آنها را درک نمایند (پلاکالویک، ۲۰۱۶). کازمینا^۴ (۲۰۱۵) اینطور بیان می‌کند که «عملکرد مالی یک شرکت انعکاسی از نتایج تصمیمات مدیریت آن شرکت است». سطح سواد مالی کافی و مناسب مالکان و مدیران باعث افزایش عملکرد شرکت می‌شود زیرا مدیران را قادر می‌سازد سیستم‌هایی برای ثبت، تحلیل و مدیریت اطلاعات مالی ایجاد نمایند که به عملکرد کارآمد و تصمیم‌گیری برای بالاتر بردن ظرفیت‌های مؤسسه و برانگیختن رشد سریعتر و بالاتر کمک کند همچنین نظارت بهتر بر جریان پول نقد، دسترسی شرکت به سرمایه و کاهش قصور در پرداخت بدهی را بهبود بخشیده و باعث می‌شود که مالکان بر عملیات تجاری برای بهبود عملکرد شرکت تمرکز کنند (حوسین و همکاران، ۲۰۱۸). البته لازم به ذکر است که در مؤسسات و شرکت‌های متوسط و بزرگ مشاوران و متخصصان مالی که از سطح دانش مالی مناسبی برخوردارند در تصمیم‌گیری‌های مالی، حل مشکلات مالی، تحلیل وضعیت مالی و ارائه راهکارها برای بهبود وضعیت مالی به مدیران کمک به سزایی می‌نمایند، اما اگر مدیران از سواد و دانش مالی کافی برخوردار نباشند، ممکن است رهنمودهای مشاوران را اصلاً درک ننموده و یا اینکه به صورت نادرست درک کرده و اشتباهاً به کار گیرند و این موجب نابودی سازمان‌ها و شرکت‌ها می‌شود. همچنین سیستم‌های اطلاعاتی سازمان‌ها و شرکت‌ها، اطلاعات بسیاری در اختیار مدیران قرار می‌دهند که بخشی از این اطلاعات، اطلاعات مالی است، این اطلاعات قادر به هدایت تفکر و حلال مشکلات هستند و می‌توانند در اخذ تصمیمات مربوط به قیمت‌گذاری و فروش محصولات، بودجه‌بندی موجودی‌ها و بازاریابی و غیره به مدیر کمک کنند (اعتمادی و دیانتی، ۱۳۸۷) که عدم کفایت سواد مالی مدیران باعث می‌شود که نتوانند از این سیستم‌ها بهره‌وری مطلوبی داشته باشند. ماریوت و ملت^۵ (۱۹۹۱) در پژوهشی در مورد کفایت مدیران ثابت کردند که اگر مدیران مهارت‌های لازم را نداشته باشند، تصمیمات اشتباهی اتخاذ می‌نمایند (پلاکالویک، ۲۰۱۶). همچنین نتایج نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معناداری بین سطح سواد مالی و عملکرد مالکان شرکت‌های کوچک و متوسط وجود دارد.

تصمیمات مالی که بدون ارزیابی نتایج مالی اتخاذ می شود می توانند به طور منفی بر مأموریت شرکت، ساختار مالی و عملیات تأثیر گذارده و به فشار مالی منتهی شود. تصمیمات ضعیف در نتیجه مدیریت و سواد مالی ضعیف هستند که اغلب منجر به نرخ شکست بالا در بین شرکت های کوچک و متوسط می شود (حوسین و همکاران، ۲۰۱۸). تجربه نشان می دهد که مالکان شرکت های کوچک انواع فعالیت های مالی مختلف را خودشان انجام می دهند همانند حسابداری، محاسبات مربوط به حقوق و دستمزد و مالیات، با وجود اینکه حتی تخصصی در این زمینه ها ندارند. متأسفانه بسیاری از افراد، از دبیرستان ها فارغ التحصیل شده بدون اینکه در این زمینه ها آموزشی دیده باشند. در تئوری های مدیریت مالی نوین، نقش رفتارهای مالی و مدیریت مالی در حال تسلط و توسعه می باشند و موجب تقویت مبحث مدیریت مالی در آموزش های مدیریتی می شوند (ایشاهامتو و کازمینا، ۲۰۱۷). به منظور بهبود سطح سواد مالی در جامعه، باید ابتدا از وضعیت آن مطلع شد و سپس با توجه به ویژگی های فردی، اجتماعی و فرهنگی حاکم و برای تمام رده های سنی اعم از زن و مرد، هم به عنوان مصرف کنندگان منابع اقتصادی و هم از منظر تولیدکنندگان (صاحبان کسب و کار) منابع اقتصادی در سطح خرد و کلان، تصمیم گیری و برنامه های متناسب طراحی و اجرا شود (حنیفه زاده، ۱۳۹۴) در مورد مدیران نیز این وضعیت مصداق دارد بنابراین باید ابتدا از وضعیت سواد مالی آن ها آگاهی یافت و در مراحل بعدی جهت بهبود آن گام برداشت. سواد مالی کافی برای کارآفرینان عدم تقارن اطلاعاتی را کم نموده و هزینه های نظارتی را کاهش می دهد، جریان سرمایه را بهبود می بخشد و مالکان یا مدیران را قادر می سازد تا رفاه مالی مؤسسات را بهبود بخشند (حسین و همکاران، ۲۰۱۸). تاکنون مطالعاتی که در حوزه سواد مالی مدیران انجام شده، مفاهیم کلی و سواد مالی عمومی مدیران را بررسی نموده اند. مؤلفه های سواد مالی عمومی (درآمد و پس انداز و سرمایه گذاری، خرج و استقراض، بیمه و بازنشستگی) می باشند (یعقوب نژاد و همکاران، ۱۳۹۰) اما تا کنون مؤلفه های سواد مالی تخصصی که لازمه ی اداره ی مؤثر و کارآی شرکت ها و سنجش دقیق و صحیح سواد مالی مدیران می باشند، شناسایی و بررسی نگردیده است. بررسی و سنجش دقیق سواد مالی مدیران منوط به شناسایی این مؤلفه ها می باشد. هدف این پژوهش شناسایی مؤلفه های لازم و مؤثر در شکل گیری سواد مالی مدیران می باشد. بنا به مطالب مذکور پرسش ذیل جهت پژوهش حاضر مطرح می شود:

- مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران کدامند؟

۲- مبانی نظری پژوهش



پژوهش های سواد مالی در دو گروه عمده قرار می گیرند؛ گروه اول مربوط به پژوهش هایی است که به بررسی مؤلفه ها یا عناصر سواد مالی می پردازند مانند؛ پژوهش یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) در ایران،

لوساردی و میشل^۷ (۲۰۰۸ و ۲۰۱۱)، هوستن^۸ (۲۰۱۰)، حوسین و همکاران (۲۰۱۸) و پژوهش‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۹. گروه دوم، پژوهش‌هایی هستند که با استفاده از یافته‌های پژوهش‌های گروه اول به بررسی و سنجش سواد مالی می‌پردازند مانند سنجش سواد مالی در کشورهای مختلف، بررسی رابطه سواد مالی و تصمیمات و متغیرهای مختلف، بررسی رفتارها و ویژگی‌های افراد با سطوح سواد مالی مختلف، بررسی رابطه بین آموزش‌های مالی و سواد مالی و این که آیا کم سواد مالی می‌تواند بهبود یابد یا خیر. تعدادی از پژوهش‌ها، برای سنجش سواد مالی از پرسشنامه‌ی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی استفاده نموده‌اند. مطالعات این سازمان نیز در راستای شناسایی جنبه‌های مختلف سواد مالی عمومی و سنجش آن در کشورهای مختلف می‌باشد. با توجه به پژوهش حوسین و همکاران سواد مالی مدیران می‌تواند خارجی و داخلی باشد، بخش خارجی سواد مالی توانایی مدیران برای استفاده از دانش مالی در ارتباط با مجموعه مهارت‌های گسترده‌تر، مهارت‌های شبکه‌ای، ارتباطی و شناختی برای دستیابی به اهداف مطلوب می‌باشد، از طرف دیگر، سواد مالی داخلی به مالک یا مدیر کمک می‌کند تا با استفاده از منابع محدود، سیستم‌های مدیریتی مالی مؤثر و کارآمد را ارتقا بخشند. علاوه بر این، سواد مالی مدیر یا مالک را قادر می‌سازد تا در استفاده از اعتبار و وام، نظارت بر بودجه، دستیابی به موقع به مواد اولیه، تولید، هزینه‌های ثابت و متغیر و استفاده از بورس خلاقتر باشند. ترکیبی از سواد مالی داخلی و خارجی همبستگی بالایی با عملکرد شرکت کارآفرینان جوان دارد. گروه دوم پژوهش‌های سواد مالی یعنی سنجش سواد مالی مدیران بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است، اما مؤلفه‌های مؤثر بر آن کمتر بررسی شده است.

در پژوهش حوسین و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان "آیا علم آنقدر قدرتمند است؟ سواد مالی و دسترسی به سرمایه: تحلیل موسسات در بریتانیا" با استفاده از روش‌های کیفی و مصاحبه با مدیران سعی در طراحی سوالاتی برای سنجش سواد مالی آنان که قسمتی از پرسشنامه را تشکیل می‌داد، شده است. سواد مالی بر اساس درک و آگاهی مدیران از اصطلاحات مالی کلیدی اندازه‌گیری می‌شد و بر آماده‌سازی اطلاعات مالی تأکید داشت، سپس سوالات مربوط به استفاده از اظهارهای مالی در حین اتخاذ تصمیمات مالی و مدیریتی و اینکه آیا اطلاعات مالی برای ارزیابی ریسک مالی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، مطرح شد. یکی از توضیحاتی که توسط بانکها در بریتانیا برای نرخ رد درخواست وام شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه شده است آماده‌سازی ضعیف و ارائه اطلاعات مالی است که اجازه ارزیابی ریسک را نمی‌دهد که این مسئله به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد سواد مالی مدیران منبع پیوند دهنده‌ای است که عدم تقارن اطلاعاتی و کسری وثیقه‌ای در زمان ارزیابی درخواست‌های وام را کمتر می‌کند، همچنین سواد مالی بیشتر، هزینه‌های نظارت را کاهش داده و ساختار سرمایه شرکت را مطلوب می‌سازد و به طور مثبتی بر رشد شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. دانش مدیریت مالی به عنوان منبع اصلی است که به اتخاذ تصمیم‌گیری‌های مؤثر مالکان شرکت‌های کوچک و متوسط کمک می‌کند. با توجه به نتایج پژوهش پلاکالویک (۲۰۱۶) که نشان دهنده‌ی استفاده بسیار کم مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط از نسبت‌های مالی و پژوهش حجازی و همکاران (۱۳۹۱) که نشان دهنده‌ی تأثیر آگاهی و دانش مدیران از صورت‌های مالی بر میزان سود خالص شرکت‌ها می‌

باشد، مؤلفه های شناخت و توانایی تحلیل صورت های مالی شناسایی شدند. نتایج پژوهش مرادی و ایزدی (۱۳۹۴) نیز نشان می دهد که داشتن اطلاعات حسابداری بر تصمیم گیری سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری در ایران، تأثیر می گذارد.

همچنین نتایج پژوهش ملازاده و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان " تأثیر دانش مالی مدیر عامل بر مدیریت سود" حاکی از آن است که دانش مالی مدیر عامل بر روی مدیریت سود شرکت تأثیری ندارد.

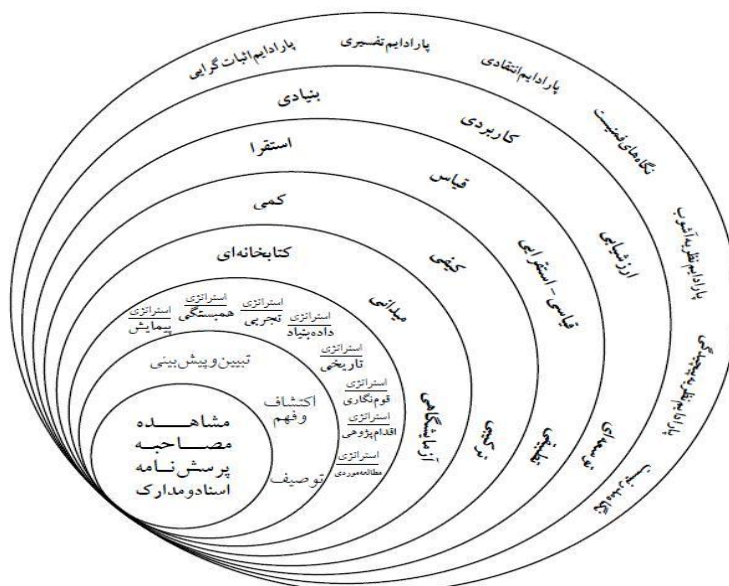
هوستن (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان ارزیابی سواد مالی، چهار مؤلفه برای سواد مالی عمومی شناسایی نمود. مؤلفه ی اول، مفاهیم اساسی مربوط به پول (ارزش زمانی پول، برنامه ریزی و صرفه جویی) مؤلفه ی دوم، مفاهیم استقراض (کارت اعتباری، وام ها و دیون رهنی) مؤلفه ی سوم، مفاهیم سرمایه گذاری و پس انداز (سهام، اوراق قرضه، صندوق های مشترک سرمایه گذاری و پس انداز برای بازنشستگی) و مؤلفه ی چهارم، مفاهیم مربوط به حفاظت و حمایت (بیمه، دارایی، برنامه ریزی مالیاتی) می باشند، همانطور که ذکر شد این مؤلفه ها مربوط به سواد مالی عمومی افراد می باشد در صورتی که برای سواد مالی مدیران باید مؤلفه های مذکور به صورت گسترده تری مورد بررسی قرار گیرند. در پژوهش حاضر بر اساس تحقیق هوستن از مؤلفه ی دوم، مؤلفه های قوانین و مقررات بانکی از مؤلفه ی سوم، قوانین و مقررات سرمایه گذاری در بورس و از مؤلفه ی چهارم، قوانین و مقررات بیمه و مالیات استخراج گردید. لوساردی و میشل (۲۰۰۸) نیز بیان می کنند که افراد عادی در پرداخت مالیات دچار اشتباه می شوند و باید از قوانین و مقررات مالیاتی اطلاع داشته باشند. در پژوهش دیو و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۱) اطلاع کارمندان از قوانین و مقررات تجاری، استانداردهای حسابداری و قوانین و مقررات مالیات را ضروری و از آن به عنوان پایه دانش مالی و ذخیره ی تجربه ی کار مالی نامبرده می شود. فرناندس^{۱۱} (۲۰۱۵) برای سنجش سواد مالی مالکان کسب و کارهای کوچک از پرسشنامه ای حاوی چهار حوزه اصلی شامل، خصوصیات شخصی پاسخگویان، دانش مالی، رفتار مالی و تمایلات مالی استفاده می کند. برای سنجش دانش مالی از سه مؤلفه ی اصلی پژوهش آتیکسون و مسی^{۱۲} (۲۰۱۲) شامل درک بهره ی مرکب، تورم و انواع ریسک و برای رفتار مالی و تمایلات مالی مشابه پرسشنامه لوساردی و میشل (۲۰۱۱) از مؤلفه های برنامه های تجاری، پیش بینی های مالی، تجزیه و تحلیل سودآوری و وام های بانکی که بر اساس محیط تجاری کشور تعدیل شده، استفاده گردیده است. مؤلفه های تحلیل و قوانین و مقررات بانکی را می توان از این پژوهش نیز اقتباس نمود. هدف پژوهش بایراکداروقلو و بتان^{۱۳} (۲۰۱۴) در کشور ترکیه بررسی توانایی مدیران شرکت های کوچک و متوسط در استفاده از ابزارهای بازار مالی بود. پرسشنامه این مطالعه شامل سه بخش بوده است. در بخش اول خصوصیات جمعیت شناختی مطرح و در بخش دوم، برتری مشارکت کنندگان در سرمایه گذاری (شامل انواع سرمایه گذاری کوتاه مدت و بلند مدت) اندازه گیری شده و در بخش پایانی از طریق طرح شش سوال، سواد مالی مورد سنجش قرار گرفته است. سؤالات سواد مالی شامل ارزش زمانی پول، آگاهی از بازار اوراق قرضه و سهام بوده که مشابه مطالعه لوساردی و میشل (۲۰۰۸) است. با توجه به این پژوهش، مؤلفه ی سرمایه گذاری در بورس استخراج گردید. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که سطح سواد مدیران با آموزش افزایش می یابد و مدیرانی که از سطح سواد مالی بیشتری برخوردار بودند مشارکت بیشتری در بازارهای مالی داشتند.

سشوئن و سشورکمان^{۱۴} (۲۰۱۴)، پنج مؤلفه با اهمیت در ارتباط با سواد مالی عمومی را با استفاده از روش معادلات ساختاری معرفی نمودند که عبارتند از؛ بدهی، ایجاد رفاه، بیمه و مالیات، معاملات پولی و سیاست های پولی. همچنین در این پژوهش، سواد مالی را با صلاحیت ها و شایستگی های فردی مانند فهم و درک ریاضی و اقتصادی مرتبط می‌داند. در ایران یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) با استفاده از روش دلفی فازی الگویی را جهت سنجش سواد مالی عمومی ارائه نمودند، که مؤلفه های آن در سه گروه اصلی شامل (درآمد و پس انداز و سرمایه گذاری، خرج و استقراض، بیمه و بازنشستگی) طبقه بندی می‌شود. با توجه به پژوهش اخیر، اکثر پژوهش ها به شناسایی مؤلفه های سواد مالی عمومی که برای سنجش سواد مالی عامه ی مردم نظیر دانش آموزان، کارمندان، دانشجویان، خانوارها و غیره مناسب است، پرداخته اند. در پژوهش رودریگز و همکاران^{۱۵} (۲۰۱۹) مقایسه ایی میان سواد مالی پایه و سواد مالی پیشرفته ی مشتریان بانک ها انجام گرفت. پرسشنامه ی این پژوهش حاوی سؤالاتی با درجات مختلفی از نظر سختی و آسانی بود، در این پژوهش، مهارت های پایه شامل دانش مالی عادی و عمومی و مهارت های پیچیده، شامل دانش مالی پیچیده در مورد سرمایه گذاری در ابزارهای مالی پیچیده و مدیریت پرتفوی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مهارت های پیچیده در میان مشتریان بانک ها به طور نگران کننده ایی کمتر از مهارت های پایه است. با توجه به نتایج این پژوهش برای بررسی سواد مالی مدیران نیز باید مؤلفه های بیشتری مربوط به سواد مالی تخصصی و همچنین مؤلفه های سواد مالی عمومی به طور گسترده تری مورد بررسی قرار گیرد. در نهایت برخی از این مؤلفه ها از پژوهش های مورد بررسی شناسایی شده و در ادامه با استفاده از روش پدیدارشناسی و مصاحبه با خبرگان مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی مدیران به طور کامل شناسایی می‌گردد.

۳- روش شناسایی پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر بر اساس مدل پیاز پژوهش دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۳) بوده که مبتنی بر پارادایم تفسیری می‌باشد و به لحاظ جهت گیری، از یک سو بنیادی بوده، زیرا به دنبال یافتن مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی مدیران می‌باشد و از سوی دیگر کاربردی است زیرا به صورت کاربردی می‌توان با بکارگیری این مؤلفه ها سواد مالی مدیران را مورد ارزیابی قرار داد. رویکرد پژوهش استقرایی است زیرا از جزء به کل می‌رسد و صبغه ی آن کیفی می‌باشد. در پژوهش کیفی، محقق درصدد استخراج برساخته های ذهنی افراد و نظام معنایی است. بنابراین از تفکر قیاسی فرضیه ای، فرضیه سازی پیشین و جزم اندیشی نظری خودداری می‌کند (نظری و همکاران، ۱۳۹۷). هدف از انجام این پژوهش اکتشافی است که به صورت تک مقطعی انجام می‌پذیرد. محیط پژوهش، میدانی و استراتژی آن پدیدارشناسی از نوع تفسیری می‌باشد، زیرا به توصیف صرف نمی‌پردازد و نتایج مصاحبه ها را نیز تفسیر میکند. شیوه ی گردآوری داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و نیمه عمیق و شیوه تحلیل داده ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی (گزینشی) و با نرم افزار Nvivo8 انجام گرفته است. کدگذاری باز، فرآیندی است که با آن مفهوم شناسایی و ویژگی ها و ابعاد آن ها در داده ها کشف می‌شود. کدگذاری محوری، فرآیند مرتبط کردن مقوله ها به مقوله های فرعی است و کدگذاری

در محور یک مقوله صورت می گیرد و مقوله ها را در سطح ویژگی ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می کند. کدگذاری گزینشی، یکپارچه کردن و پالایش نظریه می باشد (استراوس و کوربین^{۱۶}، ۱۹۱۶).



مدل پیاز فرایند پژوهش

(برگرفته از: دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳)

با توجه به موضوع این پژوهش، یعنی شناسایی مؤلفه های سواد مالی مدیران، بایستی از روش تحقیقی استفاده کرد که توانایی پاسخ به پرسش های پژوهش را داشته باشد بنابراین از روش تحقیق کیفی از نوع پدیدارشناسی استفاده می گردد. پدیدارشناسی از نظر لغوی، عبارت است از مطالعه ی پدیده ها از هر نوع و توصیف آن ها با در نظر گرفتن نحوه ی بروز تجلی آن ها، قبل از هر گونه ارزش گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی (امامی و همکاران، ۱۳۹۱). محققان پدیدارشناسی را علمی می دانند که هدف آن توصیف پدیده ای خاص یا ظاهر چیزها (نمودها) و تجربیات زندگی است (خلیلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش به دلیل استفاده از تجارب افراد و انجام مصاحبه ی باز از این رویکرد استفاده می شود.

به طور معمول، نمونه افراد از میان کسانی انتخاب می شود که یا ارتباط خاصی با موضوع تحقیق دارند یا دارای عقاید ویژه ای هستند (سپاسگر شهری، ۱۳۹۳). با توجه به موضوع مطالعه ی حاضر، خبرگان مالی به دلیل داشتن تجربه در حرفه و ارائه ی مشاوره ی مالی به مدیران، بیشترین ارتباط را از لحاظ مالی با آن ها داشته و تجربیات ارزنده و عقاید ویژه ای را در زمینه ی سواد مالی مدیران در اختیار دارند. در پژوهش یعقوب نژاد و همکاران (۱۳۹۰) نیز برای ارائه ی الگو جهت سنجش سواد مالی عمومی با روش دلفی فازی از

نظرات خبرگان مالی استفاده شده است. بنابراین برای جامعه‌ی آماری خبرگانی انتخاب شدند که؛ ۱- دارای مدرک دکتری در رشته‌ی حسابداری و مالی بوده و عضو هیئت علمی دانشگاه با مرتبه استادیار و بالاتر باشند ۲- سابقه‌ی تجربه در ارائه خدمات مالی و مشاوره‌ی مالی و اقتصادی به شرکت‌ها، حداقل به مدت ۱۰ سال را داشته باشند.

در تحقیق حاضر از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری گلوله برفی جزو روش‌های نمونه‌گیری هدفمند قرار می‌گیرد؛ روند مشاهده یا مصاحبه از یک عضو شروع شده و سپس از مشارکت‌کننده خواسته می‌شود که فرد یا افراد دیگری را که می‌شناسد که ویژگی‌های مورد نظر محقق را دارند، معرفی نماید. بدین منظور پس از بررسی‌های اولیه، دو نفر انتخاب شدند و انجام مصاحبه با ایشان آغاز گردید. در پایان مصاحبه از ایشان خواسته شد چنانچه فرد یا افرادی را می‌شناسند که در زمینه مورد بحث، دارای تجربه و تخصص هستند، معرفی نمایند. این موضوع در تمام مصاحبه‌ها مطرح گردید و بدین ترتیب افراد نمونه شناسایی و انتخاب شدند تا اصل اشباع نظری حاصل شود. تعداد خبرگان مالی در این پژوهش جمعاً ۱۰ نفر می‌باشد. کی ول^{۱۷} (۱۹۹۶) اظهار می‌کند؛ در مطالعه‌ی ایی که با دقت هدایت شده است و در آن انتخاب نمونه به صورت تکاملی و تعاقبی بوده است، می‌توان با حدود ۱۰ شرکت‌کننده به نقطه اشباع رسید (سپاسگر شهری و منوچهری، ۱۳۹۳). مک کئون و توماس^{۱۸} (۱۹۹۸) نیز بیان می‌کنند در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، با توجه به زمان و منابع قابل دسترس، تعداد (۱۰ ± ۱۵) نمونه برای انجام مصاحبه کافی خواهد بود (سپاسگر شهری و منوچهری، ۱۳۹۳). سؤالات مصاحبه با توجه به مبنا قرار گرفتن سؤال اصلی تحقیق و در نظر گرفتن پارامتری مانند؛ جامعه‌ی مورد مطالعه طراحی گردید، پس از انجام دو مصاحبه ابتدایی و آزمایشی، سؤالات مورد بازبینی قرار گرفت و پس از تعدیلات لازم، مجدداً مورد استفاده قرار گرفت. دانایی فرد و دیگران (۱۳۸۶) مصاحبه‌های مورد استفاده در تحقیقات کیفی را به سه دسته مصاحبه بدون ساختار، مصاحبه ساختارمند و مصاحبه ساختاریافته تقسیم می‌کند. مصاحبه این پژوهش از نوع نیم ساختارمند و نیمه عمیق می‌باشد. برای انجام هر مصاحبه، ابتدا با برقراری تماس تلفنی با مصاحبه‌شونده، توضیح مختصری درباره‌ی موضوع پژوهش ارائه می‌شد در صورت پذیرش انجام مصاحبه، هماهنگی‌های لازم جهت تعیین زمان و مکان برگزاری جلسه صورت می‌گرفت. مصاحبه‌ها همگی به صورت حضوری با طول متوسط زمان هر مصاحبه حدوداً ۳۰ دقیقه انجام شده است. در راستای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کولایزی^{۱۹} استفاده شد. خلاصه‌ی این هفت مرحله در ادامه آورده شده است. مرحله‌ی اول، تهیه‌ی رونوشت از مصاحبه‌ها و مطالعه‌ی چند باره‌ی آن‌ها. مرحله‌ی دوم، شناسایی جملات و عبارات معنادار. مرحله‌ی سوم، تلاش برای استخراج معانی فرموله شده. مرحله‌ی چهارم، ادغام معانی فرموله شده و استخراج دستگاه‌ها، خوشه‌ها و تم‌ها. مراحل فوق را برای هر مصاحبه تکرار می‌شود و معانی فرموله شده و مرتبط به هم را در خوشه‌هایی از تم‌ها (موضوعات اصلی) قرار می‌گیرد الف) ارجاع به روایت‌های اولیه برای معتبر سازی ب) رد داده‌ها یا تم‌های نامربوط و نامنتطبق. محقق نایستی از این داده‌ها یا تم‌های به ظاهر نامناسب، چشم‌پوشی کند. مرحله‌ی پنجم، ترکیب نتایج در قالب یک توصیف جامع از پدیده مورد مطالعه.

مرحله ی ششم، تقلیل توضیحات جامع برای دستیابی به یک ساختار بنیادی مرحله ی هفتم، رجوع به مشارکت کنندگان جهت اعتبارسنجی توصیفات جامع و ساختار بنیادی آن (خلیلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). به منظور اطمینان از روایی پژوهش، از دو روش بازخور مشارکت کننده و ارائه توصیف کننده ها استفاده شده است. برای این منظور، متن مصاحبه ی انجام شده برای خبرگان ارسال و به تأیید ایشان رسیده است. نمونه ایی از متن مصاحبه ها در گام دوم یافته های پژوهش، آورده شده است. همچنین برای افزایش روایی پژوهش، از روش اعتبارسنجی کولیزی که در گام هفتم توضیح داده شده، استفاده می شود. به منظور ارزیابی پایایی پژوهش، ابتدا از استراتژی توافق میان دو کدگذار استفاده گردید و از فرد خبره ی دیگری خواسته شد که به کدگذاری متون مصاحبه ها بپردازد. پس از کدگذاری، میزان تطابق و مشابهت ها ارزیابی شدند. سپس فرآیند کدگذاری دوباره توسط محقق و با فاصله ی زمانی صورت گرفت و میزان مشابهت آن با کدگذاری های اولیه ارزیابی شد.

۴- یافته های پژوهش

گام اول. پس از انجام هر مصاحبه، تمام مطالبی که مصاحبه شونده بیان کردند، به صورت متن در فایل ورد وارد شدند.

گام دوم. در این مرحله جملات و عبارت های معنادار از هر متن مصاحبه استخراج شدند. این عبارت ها در فایل جداگانه ای ثبت و بر اساس شماره ی مصاحبه و شماره ی پاراگراف کدگذاری شدند. نمونه ای از این موارد در جدول ذیل ارائه گردیده است.

جدول شماره ۱: نمونه هایی از عبارات معنادار

عبارات معنادار
«حسابدار اعلام کرده است که شرکت در سال ۹۶، میلیون ها تومان سود خالص داشته ولی هر ماه حقوق پرسنل را با دریافت وام پرداخت شده بنابراین مدیر باید بداند پاسخ مشکل در کدام صورت مالی است»
« قادر به شناسایی وضعیت سودآوری و نقدینگی شرکت در سال جاری باشد و بتواند آن را با سال های قبل مقایسه و تحلیل نماید»
«انواع مجامع سهامداران را بشناسد و از زمان برگزاری و از مواردی که برای آن ها مجامع تشکیل می شود اطلاع داشته باشد»
«اطلاعاتی در مورد قوانین مربوط به چک، وثیقه و گشایش اعتبار اسنادی در بانک ها داشته باشد»

گام سوم. معنای عبارت های معنادار استخراج و فرموله شده و هر یک از معانی به یک دسته کدگذاری شدند. همه عبارت ها و معانی آن ها برای ایجاد اطمینان از صحیح بودن فرآیند و سازگار بودن معانی بارها بررسی شدند.

جدول شماره ۲: نمونه‌هایی از معانی فرموله شده از عبارت‌های معنادار (مصادیق)

عبارت معنادار	معانی فرموله شده (مصادیق)
در صورت سود و زیان، سود عملیاتی، عملکرد مدیر را نشان می‌دهد.	شناخت سرفصل‌های عمده‌ی صورت سود و زیان
سود و کارمزد پرداختی به اشخاص حقیقی از نظر مالیاتی هزینه قابل قبول مالیاتی نمی‌باشد	شناخت اجمالی هزینه‌های قابل قبول مالیاتی
نسبت‌های مالی مانند نسبت جاری، حاشیه سود، نسبت‌های اهرمی و غیره چگونه محاسبه می‌شوند و چه کارایی دارند.	شناخت مفاهیم و درک نسبت‌های مالی
تایید افزایش سرمایه شرکت از وظایف کدام مجمع است.	نحوه و زمان تشکیل جلسات مجمع عمومی و وظایف آن

گام چهارم. معانی فرموله شده دسته بندی و گروه بندی شدند. این دسته‌ها بیانگر ساختار منحصر به فردی از مصادیق هستند. سپس گروه‌های مصادیق با یکدیگر ادغام شدند تا ساختاری از مؤلفه را شکل دهند که ۴۷ مصداق پدید آمد و در ۱۱ مؤلفه قرار گرفت.

جدول شماره ۳: نمونه پدید آمدن مؤلفه‌ها از معانی فرموله شده (مصادیق)

<p>مؤلفه اول، شناخت صورتهای مالی</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت اقلام ترازنامه • درک و شناخت اقلام صورت سود و زیان • درک و شناخت اقلام عمده‌ی صورت جریان وجوه نقد • شناخت ماهیت صورت جریان وجه نقد
<p>مؤلفه دوم، تحلیل صورتهای مالی</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت نسبت‌های سودآوری • درک و شناخت مفهوم چرخه عملیات (دوره‌ی عملیات) و تأثیر آن بر سودآوری • درک مفهوم حاشیه‌ی سود و تأثیر آن بر عملکرد و سودآوری • درک مفهوم سرمایه در گردش و عوامل مؤثر بر آن • شناخت مفاهیم و درک کلی نسبتهای مالی
<p>مؤلفه سوم، قوانین و مقررات بیمه تأمین اجتماعی</p> <ul style="list-style-type: none"> • نحوه‌ی محاسبه و پرداخت حق بیمه پرسنل و قراردادهای • نحوه‌ی برخورد قوانین بیمه تأمین اجتماعی با حوادث و بیماری‌ها • آشنایی با تکالیف عمده‌ی قانونی کارفرما از جمله ارسال لیست بیمه شدگان و پرداخت حق بیمه

<p>مؤلفه چهارم، قوانین و مقررات کار</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت مفهوم مزد پایه (پایه حقوق) و محاسبه ی حقوق • آشنایی با مبانی قانونی و شرایط اساسی انعقاد قرارداد کار بین کارفرما و پرسنل • نحوه ی پرداخت مزایای پایان کار یا جبران خسارت
<p>مؤلفه پنجم، قوانین و مقررات مالیاتی</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت عمده معافیت های مالیاتی از جمله معافیت صادرات، مناطق کمتر توسعه یافته، طرحهای توسعه ای • درک تکالیف اصلی مالیاتی شرکتها شامل تهیه و تنظیم اظهارنامه و نحوه اعتراض • شناخت اجمالی هزینه های قابل قبول مالیاتی • آشنایی اجمالی با تکالیف شرکت ها در مبحث مالیات بر ارزش افزوده
<p>مؤلفه ششم، قوانین و مقررات تجارت</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت مجامع حقوق صاحبان سهام و وظایف مجامع • نحوه و زمان تشکیل جلسات هیئت مدیره و وظایف آن • انتساب بازرس و وظایف و اختیارات آن و نحوه ی گزارش دهی به بازرسان • آشنایی با نحوه ی تأسیس و ثبت شرکت یا مؤسسه • آگاهی از شرایط انحلال و تصفیه شرکت • آگاهی از نحوه ی انتشار سهام و توزیع سود
<p>مؤلفه هفتم، قوانین و مقررات سرمایه گذاری در بورس</p> <ul style="list-style-type: none"> • آشنایی با ساز و کار انجام معاملات در بورس • درک و شناخت شاخص های بورس • درک مفهوم پورتفوی سهام • آشنایی با شرایط ورود شرکت ها به بورس • درک تفاوت شرکت های بورسی و غیر بورسی
<p>مؤلفه هشتم، قوانین و مقررات بانکداری</p> <ul style="list-style-type: none"> • آشنایی با انواع قرارداد های وام (مانند وام مشارکتی، مبادله ای، سرمایه در گردش، سلف و ...) • آشنایی با نحوه ی محاسبه ی بهره در قراردادهای وام بانکی • آشنایی با مفهوم گشایش اعتبار اسنادی (LC) • درک و شناخت انواع ضمانت نامه های بانکی • آشنایی با نحوه ی وثیقه گذاری در بانکها
<p>مؤلفه نهم، قوانین و مقررات چک</p> <ul style="list-style-type: none"> • آشنایی با نحوه ی اقدام قانونی در مورد چک برگشتی • آشنایی با قوانین و قواعد صدور چک • آشنایی با نحوه استعمال سوابق صادر کننده ی چک • شناخت وظایف صادر کننده ی چک

<p>مؤلفه دهم، قوانین و مقررات پولشویی</p> <ul style="list-style-type: none"> • درک و شناخت مفهوم پولشویی • درک و شناخت مصادیق جرم پولشویی در انجام مبادلات تجاری و نحوه ی برخورد مراجع قانونی با آن • آگاهی از تکالیف قانونی شرکت ها در مواجهه با پولشویی
<p>مؤلفه یازدهم، قوانین و مقررات صادرات و واردات</p> <ul style="list-style-type: none"> • آشنایی با شرایط و نحوه ی اخذ کارت بازرگانی • آشنایی با تشریفات گمرکی صدور یا ورود کالا • آشنایی با اظهارنامه های صادرات و واردات کالا • آشنایی با نحوه ی برخورد قوانین گمرکی در مورد مناطق آزاد تجاری • درک مفهوم قاچاق و نحوه برخورد قانونی مراجع قضایی با آن

گام پنجم. در این مرحله همه ی مؤلفه ها به صورت توصیف جامعی از پدیده ی مورد نظر ترکیب شدند و توصیف جامعی از سواد مالی مدیران به دست آمد.

گام ششم. در این مرحله توضیحات زائد و اضافی و عبارت های مبهم که توصیف کلی را ضعیف می کردند، حذف شد.

گام هفتم. کولایزی به اعتبار نهایی که با مراجعه به هر یک از افراد مطلع صورت می گیرد، اشاره می کند و مهم ترین معیار ارزیابی یافته های تحقیق پدیدارشناختی را از طریق اعتباریابی توصیف های جامع از پدیده مورد مطالعه از سوی خود مشارکت کننده می داند (خلیلی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین این اعتبارسنجی با رجوع مجدد به مصاحبه شوندگان (خبرگان) و نشان دادن یافته های پژوهش انجام شد و آن ها رضایت خود را نسبت به یافته ها اعلام کردند.

۵- بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی مدیران انجام شده است. سواد مالی مدیران برای اداره ی مؤثر و کارآی شرکت ها و واحد های تجاری لازم و ضروری می باشد و عدم کفایت سواد مالی مدیران بر وضعیت شرکت اثر گذاشته و باعث شکست و نابودی آن می شود. اغلب مطالعاتی که تا به حال در زمینه ی سواد مالی انجام شده، مؤلفه های سواد مالی عمومی را بررسی نموده اند و با توجه به بررسی های انجام شده مطالعه ای که به شناسایی مؤلفه های سواد مالی تخصصی مدیران پرداخته باشد مشاهده نگردیده و در سطح بین المللی هم اغلب مطالعات انجام شده در این حوزه فقط برخی از مؤلفه های با اهمیت سواد مالی مدیران را بررسی نموده و از واکاوی و پرداختن به تمام مؤلفه های مورد نظر پرهیز کرده اند، از این رو سؤال اصلی پژوهش حاضر به این صورت مطرح شد؛

- مؤلفه های مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران کدامند؟

با توجه به بررسی های انجام شده در مراحل مختلف پژوهش، یازده مؤلفه تحت عنوان موارد مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران شناسایی شده که ضرورت دارد مدیران شرکتها جهت انجام امور روزمره ی شرکت های خود در این حوزه ها مطلع باشند و نسبت به فراگیری آنها اهتمام ورزند. این مؤلفه ها عبارتند از؛ شناخت صورت های مالی، تحلیل صورت های مالی، آشنایی با قوانین و مقررات بیمه تأمین اجتماعی، آشنایی با قوانین و مقررات کار، آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی، آشنایی با قوانین و مقررات تجارت، آشنایی با قوانین و مقررات بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار)، آشنایی با قوانین و مقررات بانکداری، آشنایی با قوانین و مقررات چک، آشنایی با قوانین و مقررات پولشویی، آشنایی با قوانین و مقررات صادرات و واردات. در ادامه، به توضیح و تفسیر این مؤلفه ها پرداخته می شود.

مؤلفه ی اول در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران، شناخت صورت های مالی می باشد. ترازنامه وضعیت مالی شرکت را در زمانی مشخص نشان داده و در بردارنده ی اطلاعات مهمی از ساختار مالی، میزان نقدینگی و انعطاف پذیری شرکت است. همچنین صورت سود و زیان، سود یا زیان دهی شرکت را که نتیجه ی عملیات و تصمیمات مالی مدیریت در طول یک دوره زمانی مشخص (دوره مالی) است را نشان می دهد و با تفکیک مناسب سود های عملیاتی از سود و زیان های غیر عملیاتی، کمک شایانی به مدیران و سایر ذی نفعان در جهت بررسی عملکرد شرکت می نماید. صورت جریان وجوه نقد، نیز خلاصه ی جریانهای نقدی در طول دوره زمانی مشخص که در نتیجه عملیات، سرمایه گذاری و فعالیت های تامین مالی است را به صورت مجزا بیان می کند. در حقیقت این گزارش مالی بیان می کند که چه مقدار وجه نقد بابت فعالیت های شرکت در سیکل مالی آن، وارد یا خارج شده است. لذا صورت های مالی حاوی موارد مهم و اطلاعات پرکاربرد برای تصمیمات سرمایه گذاران و اعتباردهندگان و حاصل فعالیت واحد تجاری در یک دوره زمانی مشخص است که به طور خاص درک و شناخت ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد می تواند در این مورد اهمیت ویژه ای داشته باشد. با توجه به اهمیت فوق العاده صورت های مالی، شناخت این صورت ها توسط مدیران می تواند متضمن بخشی از موفقیت آنها در انجام امور محوله و وظیفه مباحثی آنها باشد. در پژوهش حوسین و همکاران (۲۰۱۸) نیز از این مؤلفه برای سنجش سواد مالی مدیران استفاده شده است.

دومین مؤلفه مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران، تحلیل صورت های مالی می باشد که در پژوهش حوسین و همکاران (۲۰۱۸) نیز به آن اشاره شده است. مدیران شرکت ها می توانند با استفاده از تجزیه و تحلیل های انجام شده بر روی صورت های مالی، ضمن درک وضعیت سودآوری، ریسک مالی، تولید و فروش، وضعیت بدهی، چرخه عملیات و حاشیه سود شرکت خود، اقدامات آگاهانه و مؤثرتری در راستای بهبود عملکرد شرکت انجام داده و نقش ارزش آفرینی خود را بهتر ایفا نمایند. لذا فراگیری روش های مختلف تجزیه و تحلیل صورت های مالی می تواند در برنامه های آموزشی مدیران شرکت ها مد نظر باشد.

سومین مؤلفه شناسایی شده، آشنایی با قوانین و مقررات بیمه می باشد که در پژوهش هوستن (۲۰۱۰) نیز به آن اشاره شده است. کلیت آشنایی با چگونگی محاسبه حق بیمه و نحوه ی پرداخت آن و تکالیف تعریف شده در قانون در مورد بیمه پرسنل، مدیران را نسبت به مسئولیت بیمه ای خود در مقابل آنها آگاه می نماید،

همچنین اطلاع از نحوه برخورد قانون در مورد حوادث و بیماری‌ها نیز می‌تواند در این باره مهم باشد. مدیران با آگاهی از این اطلاعات ضمن ارزیابی هزینه‌های به‌کارگیری نیروی کار، با حقوق در نظر گرفته شده در قانون برای پرسنل و همچنین انتقال ریسک‌های ناشی از کار، آگاهی پیدا می‌کنند. لذا این مؤلفه نیز از دیدگاه خبرگان دارای اهمیت ویژه بوده و به عنوان یکی از مؤلفه‌های مورد نظر تحقیق شناسایی شده است.

همچنین به اعتقاد مشارکت‌کنندگان در تحقیق، آشنایی با مسئولیت‌های اجتماعی و قانونی نیروی کار جنبه‌های مختلفی دارد. هر چند مدیران اشراف کافی به این مسایل ندارند، لیکن آگاهی از حداقل‌های لازم به نظر ضروری می‌باشد. مسائلی مانند آگاهی از مزد پایه و شرایط و کیفیت انعقاد قرارداد کار و نحوه پرداخت دستمزد از این دست هستند. موارد مذکور در باب قانون کار می‌تواند ریسک ناشی از به‌کارگیری نیروی کار را کاهش داده و از ایجاد هزینه‌های اضافی در آینده جلوگیری کند، بنابراین مؤلفه چهارم به عنوان آشنایی با قوانین و مقررات کار شناسایی شد.

یکی دیگر از موضوعات بسیار با اهمیت در مدیریت شرکتها در نظر گرفتن اثر مالیاتی کلیه تصمیمات مالی است به نحوی که ضرورت دارد حتی قبل از تأسیس و بهره‌برداری از شرکت، به این موضوع توجه گردد. آگاهی و درک برخی از معافیت‌های مالیاتی حتی می‌تواند در انتخاب محل جغرافیایی شرکت مؤثر باشد. در این راستا آشنایی با قواعد مالیات بر ارزش افزوده (با توجه به فراگیر شدن آن در ایران) و همچنین شرایط قبول هزینه از نظر قوانین مالیاتی و آشنایی با فرآیندهای مالیاتی در فرایند تشخیص و وصول مالیات، عواملی مؤثر دیگری در شکل‌گیری سواد مالی مدیران است. لذا با توجه به اظهارات خبرگان در این حوزه، مؤلفه پنجم تحت عنوان آشنایی با قوانین و مقررات مالیاتی شناسایی گردید. در پژوهش هوستن (۲۰۱۰) از این مؤلفه برای سنجش سواد مالی استفاده و در پژوهش دیو و همکاران (۲۰۱۱) نیز به این مؤلفه اشاره شده است.

ششمین مؤلفه، آشنایی با قوانین و مقررات تجارت است. به اعتقاد خبرگان، قوانین تجارت از عمده‌ترین مواردی است که مدیریت شرکت‌ها باید نسبت به آن آگاهی داشته باشند. مسئولیت قانونی شرکت‌ها درباره‌ی برگزاری مجامع و جلسات هیأت‌مدیره، قوانین تجاری ثبت و انحلال شرکتها و چگونگی اعلام و توزیع سود سهام از عمده‌ترین مواردی است که می‌تواند در تصمیمات مدیریت حائز اهمیت باشد. بدیهی است مسئولیت عدم آگاهی از برخی قوانین به خصوص موارد مذکور بر عهده مدیر عامل است، لذا آگاهی از این قوانین برای یک مدیر موفق ضروری است. در پژوهش دیو و همکاران (۲۰۱۱) نیز به اهمیت این مؤلفه اشاره شده است.

با توجه به اظهارات خبرگان، توانایی مدیران در زمینه سرمایه‌گذاری منابع مازاد شرکت در بلندمدت، می‌تواند منجر به رشد ارزش و همچنین مدیریت ریسک شرکت شود. بدیهی است بورس اوراق بهادار هر کشوری مکانی مناسب جهت سرمایه‌گذاری و خلق ارزش اضافی است. قبل از هر نوع سرمایه‌گذاری یا حضور در بورس اوراق بهادار، شناخت نسبت به چگونگی انجام معاملات، درک مفهوم شاخص‌های بورس، نحوه و لزوم ایجاد سبد سهام و اطلاع از تفاوت بورس با سایر گزینه‌های سرمایه‌گذاری حائز اهمیت است. بدیهی است موفقیت در بورس در وهله اول نیازمند شناخت موارد مذکور است، بنابراین مؤلفه ی هفتم به عنوان آشنایی با

قوانین و مقررات سرمایه گذاری در بورس شناسایی گردیده است. در پژوهش بایراکداروقلو و بتان (۲۰۱۴) و لوساردی و میشل (۲۰۰۸) نیز به لزوم آشنایی مدیران به این مؤلفه اشاره شده است. آشنایی با قوانین و مقررات بانکی به عنوان مؤلفه ی هشتم مؤثر در شکل گیری سواد مالی تخصصی مدیران شناسایی شده است. از آن جایی که بانک ها از مهمترین منابع تامین مالی شرکتها در ایران هستند لذا شناسایی و آشنایی با انواع وام ها، چگونگی محاسبه بهره ی آنها و همچنین نحوه ی وثیقه گذاری وام ها از مهم ترین عوامل مورد نیاز مدیران در باب مسائل بانکی می باشد. به طور خاص در مورد شرکت های تولیدی نحوه ی گشایش اعتبار اسنادی نیز از آنجا که ارتباط مستقیم با تامین مواد اولیه و ماشین آلات شرکت دارد حائز اهمیت بوده و آگاهی از نحوه ی گشایش اعتبار نیز اهمیت دارد. در مجموع از آنجا که اقتصاد شرکتها در ایران بیشتر از طریق وام تغذیه می شود آگاهی از قوانین بانکی از نظر خبرگان برای مدیران حائز اهمیت است. این مؤلفه در پژوهش های فرناندس (۲۰۱۵)، آتیکسون و مسی (۲۰۱۲) و لوساردی و میشل (۲۰۱۱) مدنظر قرار گرفته شده است.

در مبادلات تجاری در ایران استفاده از چک موضوعی اجتناب ناپذیر است. اگر شرکتی چک را از مبادلات خود حذف کند، عملاً فرصتهای زیادی را برای حضور در بازار از دست می دهد. از آنجا که عدم انجام تعهدات مربوط به چک ممکن است شرکت را در زمینه تأمین سرمایه در گردش و حفظ وضعیت اعتباری دچار مشکلات عدیده نماید، لذا آگاهی از قوانین صدور چک، چگونگی اطلاع از سوابق صادر کننده ی چک و کیفیت اقدام قانونی برای پیگیری وصول چک از مهمترین موضوعات در زمینه ی آشنایی با مقررات چک می باشد که فراگیری آنها برای مدیران ضروری است. بنابراین مؤلفه ی نهم با عنوان آشنایی با قوانین و مقررات چک شناسایی گردیده است.

مؤلفه ی دهم با عنوان آشنایی با قوانین و مقررات پولشویی مطرح شد. گاه خواسته یا ناخواسته ممکن است شرکت با معاملاتی مواجه شود که هر چند شکل درستی داشته باشند اما محتوای آنها فاسد و غیر قانونی بوده و شرکت را دچار مشکل کند. با توجه به اینکه در سال های اخیر بحث پولشویی در ایران به موضوعی قابل توجه هم از جنبه ی ملی و هم بین المللی تبدیل شده است لذا آشنایی با مقررات مربوط می تواند شرکت را از مشکلات احتمالی دور کند. درک مفهوم پولشویی و آگاهی از نحوه برخورد در مواجهه با آن از جمله مواردی است که به نظر خبرگان، مدیران باید به آنها اشراف داشته باشند.

مؤلفه ی یازدهم مؤثر در سواد مالی تخصصی مدیران، آشنایی با قوانین و مقررات صادرات و واردات تعیین گردیده است. با توجه به اظهارات خبرگان از جمله مزایای رقابتی شرکتها حضور در مبادلات خارجی اعم از واردات یا صادرات می باشد. بدیهی است مدیران باید با ساختار و شرایط حضور در بازارهای بین المللی آشنایی داشته باشند. آشنایی با شرایط و مجوزهای لازم در این مورد اعم از کارت بازرگانی و تشریفات گمرکی و درک مفهوم قاچاق از اساسی ترین دانسته های مورد نیاز مدیران در این زمینه است. ضمناً قوانین حاکم بر مناطق آزاد تجاری یا مناطق ویژه اقتصادی در این مورد نیز می تواند موضوعی مهم در تصمیمات مدیریتی شرکتها باشد و آگاهی از آن ضروری به نظر می رسد.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود سهامداران شرکت‌ها به نقش سواد مالی مدیران در تصمیمات متخذه توجه داشته و در انتخاب اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها این مهم را مدنظر قرار دهند و ترجیحاً مدیرانی را انتخاب نمایند که علاوه بر داشتن توانایی مدیریتی، از نظر سواد مالی نیز با کفایت و یا حداقل تعدادی از اعضای هیأت مدیره دارای تخصص مالی باشند. نتایج پژوهش قالمق و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد که در میان سرمایه‌گذاران، سطح سواد مالی رشته‌های مالی بیشتر از سطح سواد مالی سایر رشته‌ها می‌باشد. نتایج پژوهش مرادی و ایزدی (۱۳۹۴) نیز حاکی از آن است که سرمایه‌گذارانی که در امور مالی، سرمایه‌گذاری و حسابرسی شاغل هستند، در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری خود، حساسیت کمتری نسبت به تغییر سطح سواد مالی نشان می‌دهند و در این رابطه، متعادل‌تر از سایر سرمایه‌گذاران، عمل می‌کنند، چرا که دارای سطح سواد مالی بیشتری هستند. این نتایج می‌تواند در مورد مدیران نیز مصداق داشته باشد بنابراین به اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها نیز توصیه می‌گردد در انتخاب مدیرعامل، توجه ویژه به لزوم کفایت سواد مالی مدیرعامل منتخب داشته باشند.

نتایج پژوهش بایراکداروقلو و بتان در کشور ترکیه دال بر این است که سطح سواد مالی مدیران با آموزش افزایش می‌یابد همچنین آموزش‌های مالی بر اعتماد به نفس مدیران ارتباط مثبت و معناداری دارد. لذا مدیران عامل و اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها نیز از طریق آموزش مفاهیم مالی اهتمام لازم جهت بهبود سطح سواد مالی خود را داشته باشند و در زمان فراگیری مهارت‌های مالی به مؤلفه‌های مؤثر شناسایی شده در این پژوهش و اهمیت این مؤلفه‌ها توجه ویژه داشته باشند. در نهایت به مدیرانی که فاقد سواد مالی کافی هستند استفاده از خدمات مشاورین مالی متعهد و متخصص پیشنهاد می‌گردد، همچنین به محققان علاقه‌مند به این حوزه پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی در جهت تدوین و ارائه‌ی ابزاری استاندارد مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی شده در این پژوهش، جهت اندازه‌گیری سواد مالی مدیران تلاش نمایند. تدوین کاربست لازم جهت دوره‌های آموزشی سواد مالی مدیران نیز می‌تواند هدف پژوهش‌های آینده باشد.

فهرست منابع

- * استراوس انسلم، کوربین جولیت، (۱۹۱۶). مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید زمینه‌ای، مترجم: افشار، ابراهیم، نشر نی، تهران، ۱۳۹۰، چاپ ششم.
- * اعتمادی حسین، دیانتی دیلمی زهرا، (۱۳۸۷). بررسی آثار فرهنگ سازمانی، مشارکت در بودجه بندی و سیستم‌های حسابداری مدیریت بر عملکرد مدیران، پژوهش‌های مدیریت در ایران (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۳، شماره ۴، ص ۳۵-۶۰.
- * امامی سیگارودی عبدالحسین، دهقان نیری ناهید، رهنورد زهرا، نوری سعید علی، (۱۳۹۱)، روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، پرستاری و مامایی جامع نگر، سال ۲۲، شماره ۶۸، ص ۵۶-۶۳.

- * حجازی رضوان، چمن آرامحمد، قهرمان یزدی محمد، (۱۳۹۱). بررسی رابطه آگاهی مدیران سطح بخش‌ها از صورت‌مالی با سودخالص شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، همایش منطقه‌ای مباحث نوین در حسابداری، https://www.civilica.com/Paper-RCIIA01-RCIIA01_048.html
- * حنیفه زاده محمد، (۱۳۹۴). سواد مالی، مجله حسابرس، شماره ۸۱، ص ۱۲۶-۱۳۲.
- * خلیلی مقدم مریم، سلطانی مرتضی، یزدانی حمیدرضا، خنیفر حسین (۱۳۹۷). فهم تجربه خرید احساسی کالای بادوام: مطالعه پدیدارشناختی در خرید لوازم خانگی جهیزیه، مدیریت بازرگانی، دوره ۱۰، شماره ۳۴۸-۲، ۳۲۵.
- * دانایی فرد حسن، الوانی مهدی، آذر عادل (۱۳۸۶). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، ویرایش دوم، انتشارات صفار.
- * دانایی فرد حسن، کاظمی سیدحسین، (۱۳۸۹). ارتقای پژوهش های تفسیری در سازمان: مروری بر مبانی فلسفی و فرایند اجرای روش پدیدارنگاری، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، دوره ۲۰، شماره ۶۱، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- * سپاسگرشهری ملیحه، منوچهری مریم، (۱۳۹۳). شناسایی ذهنیت بینندگان «سریال کلاه پهلوی» با «روش کیو»، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال ۲۱، شماره ۲، ص ۱۱۳-۱۳۴.
- * قالمق کریم، یعقوب نژاد احمد، فلاح شمس میرفیض، (۱۳۹۵). تاثیر سواد مالی بر تورش های رفتاری سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز مدیریت مالی، شماره ۱۶، ص ۷۵-۹۴.
- * لگزبان محمد، مرتضوی سعید، بخشی فاطمه، (۱۳۹۵). مطالعه کیفی دیدگاه صاحب نظران آموزش عالی در مورد بازاریابی خدمات در بخش دولتی، پژوهشنامه مدیریت بازاریابی، دوره ۳، شماره ۳، ص ۸۹-۱۱۷.
- * مرادی جواد، ایزدی منصوره، (۱۳۹۴). بررسی تأثیر سواد مالی سرمایه گذاران بر تصمیم سرمایه گذاری در اوراق بهادار، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، دوره ۴، شماره ۳، ص ۱۲۷-۱۴۹.
- * ملازاده محمد، لاری دشت بیاض محمود، ساعی محمد جواد، (۱۳۹۵). تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی مدیریت سود، پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۸، شماره ۳۰، ص ۳۷-۵۹.
- * نظری محسن، محسنی سید مسعود، عقیلی سید وحید، شریفی مهدی، (۱۳۹۷). طراحی مدل توسعه سرمایه گذاری در بورس اوراق بهادار با تاکید بر نقش محوری شبکه های تلویزیون داخلی، فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه گذاری، دوره ۷، شماره ۲۸، ص ۲۱۷-۲۳۲.
- * یعقوب نژاد احمد، نیکومرام هاشم، معین الدین محمود، (۱۳۹۰). ارائه الگویی جهت سنجش سواد مالی دانشجویان ایرانی با استفاده از روش دلفی فازی، مجله مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، دوره ۲، شماره ۸، ص ۱-۲۳.

* Bayrakdaroglu Ali, Botan Şan Fırat (2014). "Financial Literacy Training As a Strategic Management Tool Among Small – Medium Sized Businesses Operating In Turkey", Social and Behavioral Sciences, No 150, pp 148 – 155.

- * Du Maobao, qiu Fengxia, Xu wenjing, (2011). "Construction of Enterprises' Financial Knowledge Management System (EFKMS)" *Procedia Environmental Sciences*, No11, pp1240 – 1244.
- * Fernandes Tânia Isabel Mendes, (2015)., "Financial Literacy Levels of Small Businesses Owners and it Correlation with Firms' Operating Performance", *Economia Egesta University, Master in Finance Dissertation*,
- * Hussain Javed, Salia Samuel, Karim Amin, (2018). " Is knowledge that powerful? Financial literacy and access to finance An analysis of enterprises in the UK", *Journal of Small Business and Enterprise Development*.
- * Huston Sandra J.(2009). "Measuring Financial Literacy", *The Journal of Consumer Affairs*, Summer 2010, Volume 44(2), pages 296 -316.
- * Ishmuhametov Ishgaley, Kuzmina-Merlino Irina ,(2017). "What Motivates a Learner Manager of a Logistic Company to Achieve Financial Literacy?" ,*Procedia Engineering*, Vol 178, Page 76 – 84.
- * Lusardi A., Mitchell, O. S. (2009). "How Ordinary Consumers Make Complex Economic Decisions: Financial Literacy and Retirement Readiness", *National Bureau of Economic Research, Inc, NBER Working Papers*: 15350.
- * Lusardi A., Mitchell, O. S. (2011). "Financial Literacy around the World: An Overview", *Journal of Pension Economics and Finance*, 10(4), 497-508
- * Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2013), "PISA 2012. Assessment and analytical framework: Mathematics, reading, science, problem solving and financial literacy", Paris, available at: www.oecd.org/pisa/pisaproducts/PISA%202012%20framework%20e-book_final.pdf (accessed July 11 2017).
- * Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2016), "International Network on Financial Education (INFE). International survey of adult financial literacy competencies", Paris, available at: www.oecd.org/daf/fin/financial-education/OECD-INFE-International-Survey-of-Adult-Financial-Literacy-Competencies.pdf (accessed 18 March 2017).
- * Plakalović Novo, (2015). "Financial Literacy Of SMEs Managers", *Management, Knowledge and Learning joint International Conference, Italy*.
- * Rodrigues Luis Filipe, Oliveira Abilio, Rodrigues Helena, Carlos J. Costa, (2019). Assessing consumer literacy on financial complex products, *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, No 22, pp 93- 104.
- * Schuhen Michael, Schu'rkman Susanne, (2014). "Construct validity of financial literacy , International", *Review of Economics Education* , No 16, pp 1-11.